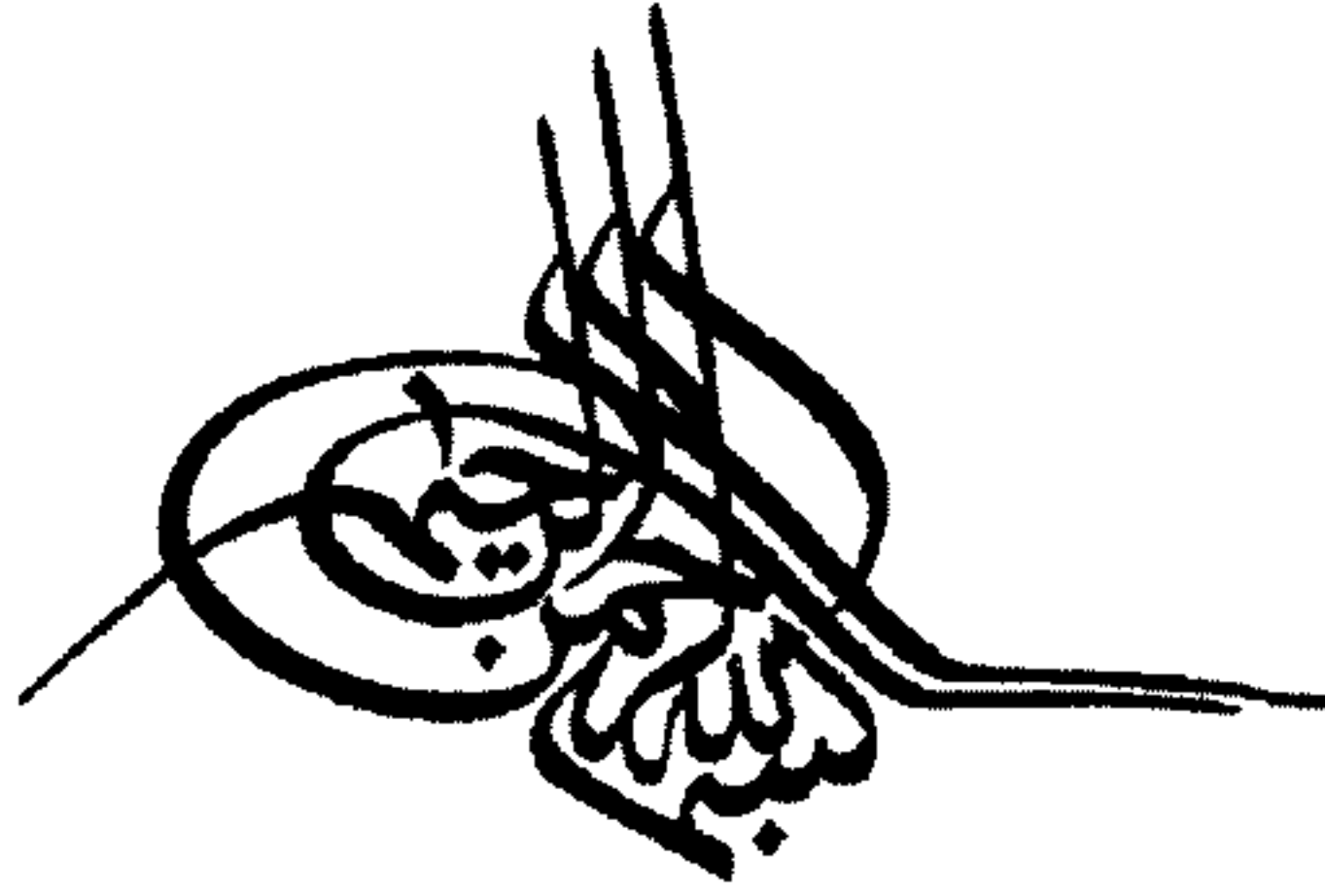




تقدیم به ساحت مقدس پدر و مادر گرامی

حضرت مولانا صاحب الزمان (ع)

کلام مهدوی

مجموعه‌ای از روایات و توقیعات

حضرت مهدی (عج)

عنوان و نام پدید آور : کلام مهدوی (مجموعه‌ای از روایات و توقیعات حضرت مهدی(عج)) / تهیه و تدوین: واحد پژوهش مؤسسه فرهنگی موعود

مشخصات نشر : تهران: موعود عصر(عج)، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری : ۱۳۲ ص: ۱۱×۲۲ س.م.

شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۱۸-۱۴-۰

وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس

موضوع : محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. --

توقیعات

موضوع : محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق. --

احادیث.

شناسه افزوده : مؤسسه فرهنگی موعود عصر(عج).

رده بندی کنگره : BP ۲۲۴/۴

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۵۹

شماره کتابشناسی ملی : ۱۷۷۴۰۴۵

کلام مهدوی (مجموعه‌ای از روایات و توقیعات حضرت مهدی(عج))

تهیه و تدوین: گروه پژوهش مؤسسه فرهنگی موعود

ناشر: موعود عصر(عج)

سال و محل نشر: تهران، ۱۳۹۲

کلام مهدوی

انتشارات موعود

قیمت: ۳۰۰,۰۰۰ ریال

ISBN:978-964-2918-14-0



تلفن مرکز پخش: ۰۲۱-۶۶۴۵۹۳۷۴ - نمابر: ۰۲۱-۶۶۴۵۹۳۴۷

فروشگاه اینترنتی www.shop.mouood.com

نشانی: تهران، ص.پ: ۸۳۴۷ - ۱۴۱۵۵

شماره تلفن: ۰۲۱-۸۸۹۴۱۲۳۵ - نمابر: ۸۸۹۴۱۴۰۲

نشانی فروشگاه اینترنتی: yaran.shop.ir

سخن ناشر

شانزدهمین جلد از مجموعه احادیث مهدوی را در آستانه سالروز میلاد مبارک حضرت موعود(ع)، که در بردارنده گزیده‌ای از فرمایشات گهربار آن عزیز سفر کرده و غایب از نظر است، تقدیم تمامی دوستداران حضرتش می‌نماییم. هر کلمه از عبارات این کتاب جان را از نور و برکت سرشار می‌سازد و چون برقی ساطع، شب دیجور غیبت را می‌درد تا شاید از رهگذر آن این رهگذران مانده در میانه شبهاست ره به دیار مقصود برند و با پاسداشت نهال امید در دل، انتظار فرا رسیدن بهار و شکوفایی دل‌ها روزگار بگذرانند.

این اثر را در سه بخش: ۱. سخنان حضرت بقیة الله(عج) قبل و بعد از تولد، ۲. توقیعات صادر شده از پیشگاه مقدس حضرت بقیة الله ارواحنا له الفداء در غیبت صغرا و کبرا و ۳. بیانات حضرت بقیة الله در روزهای اول ظهور تقدیم ساحت مقدس حضرت موعود می‌سازیم، امید که مقبول طبع لطیفش واقع شود. ان شاء الله.

ورزد، مسلماً خسران و زیان دو جهان، نصیبش خواهد شد.

اگر شیعیان ما، که خداوند آنها را به طاعت و بندگی خویش موفق بدارد، در وفای به عهد و پیمان الهی اتفاق و اتحاد می داشتند و آن را محترم می شمردند، سعادت دیدار ما برای ایشان به تأخیر نمی افتاد و زودتر از این به سعادت دیدار ما نایل می شدند، در صورتی که بر اساس معرفت واقعی و راست گویی و صداقت آنها نسبت به ما بود. (یعنی اگر در دوستی با ما صادق بودند.) آنچه که موجب جدایی ما و دوستانمان گردیده و آنان را از دیدار ما محروم نموده است، گناهان و خطاهای آنان نسبت به احکام الهی است و خداوند تنها یاری کننده و کفایت کننده تمام کارها و امور ما و بهترین وکیل برای ماست. درودهای الهی بر روان پاک خاتم انبیاء (ص) و خاندان بزرگ و برجسته او باد».

این توقیع در روز اول ماه شوال چهارصد و دوازده نگارش [و شرف صدور] یافته است.

توقیع مبارک حضرت بقیة الله (عج) به افتخار ابی صالح خجندی

این توقیع به دلیل اصرار خجندی بر یافتن و دیدار حضرت داشت، صادر شده و متن آن به قرار زیر است:

«هر که درباره من جست و جو کند، به دنبال من آمده است و هر که برای پیدا کردن من کوشش کند، دشمن را به سوی من راهنمایی کرده است و هر کس که دشمن را به سوی من رهبری کند، جان مرا در خطر انداخته است و هر کس که از نظر جانی خطری متوجه من کند، مشرک است».

فرمان حضرت ولی عصر (ع) برای همه به وسیله جناب حسین بن روح

«عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ الطَّالِقَانِيِّ، قَالَ كُنْتُ عِنْدَ الشَّيْخِ أَبِي الْقَاسِمِ الْحُسَيْنِ بْنِ رُوحٍ، رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، مَعَ جَمَاعَةٍ مِنْهُمْ عَلِيُّ بْنُ عَيْسَى الْقَضْرِيُّ فَقَامَ إِلَيْهِ رَجُلٌ فَقَالَ لَهُ أُرِيدُ أَنْ أَسْأَلَكَ عَنْ شَيْءٍ. فَقَالَ لَهُ سَلْ عَمَّا بَدَاكَ.

فَقَالَ الرَّجُلُ أَخْبِرْنِي عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، أَهُوَ وَلِيُّ اللَّهِ؟

قال: نعم.

قال: أَخْبِرْنِي عَنْ قَاتِلِهِ لَعَنَهُ اللَّهُ، أَمْ هُوَ عَدُوُّ اللَّهِ؟

قال: نعم.

قال الرَّجُلُ: فَهَلْ يَجُوزُ أَنْ يُسَلِّطَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَدُوَّهُ عَلَى وَلِيِّهِ؟

فَقَالَ أَبُو الْقَاسِمِ، قَدَّسَ اللَّهُ رُوحَهُ: إِفْهَمْ عَنِّي مَا أَقُولُ لَكَ. اِغْلَمْ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَا يُخَاطَبُ النَّاسَ بِمُشَاهِدَةِ الْعِيَانِ وَلَا يُشَافِهِهُمْ بِالْكَلَامِ وَلَكِنَّهُ جَلَّتْ عَظَمَتُهُ يَبْعَثُ إِلَيْهِمْ مِنْ أَجْناسِهِمْ وَأَصْنَافِهِمْ

بَشَرًا مِثْلَهُمْ وَلَوْ بَعَثَ إِلَيْهِمْ رُسُلًا مِنْ غَيْرِ صِنْفِهِمْ وَصُورِهِمْ لَنَفَرُوا عَنْهُمْ وَلَمْ يَقْبَلُوا مِنْهُمْ فَلَمَّا جَاؤُهُمْ وَكَانُوا مِنْ جِنْسِهِمْ يَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَيَمْشُونَ فِي الْأَسْوَاقِ، قَالُوا لَهُمْ أَنْتُمْ بَشَرٌ مِثْلُنَا لَا نَقْبَلُ مِنْكُمْ حَتَّى تَأْتُونَا بِشَيْءٍ نَعْجِزُ مِنْ أَنْ نَأْتِيَ بِمِثْلِهِ، فَتَعْلَمُ أَنَّكُمْ مَخْصُوصُونَ دُونَنَا بِمَا لَا تَقْدِرُ عَلَيْهِ، فَجَعَلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُمُ الْمُعْجِزَاتِ الَّتِي يَعْجِزُ الْخَلْقُ عَنْهَا.

فَمِنْهُمْ مَنْ جَاءَ بِالطُّوفَانِ بَعْدَ الْأَعْذَارِ وَالْإِنْذَارِ فَغَرِقَ جَمِيعُ مَنْ طَغَى وَتَمَرَّدَ.

وَمِنْهُمْ مَنْ أُلْقِيَ فِي النَّارِ فَكَانَتْ عَلَيْهِ بَرْدًا وَسَلَامًا. وَمِنْهُمْ مَنْ أَخْرَجَ مِنَ الْحَجَرِ الصُّلْبِ النَّاقَةَ وَاجْرَى مِنْ ضَرْعِهَا لَبَنًا. وَمِنْهُمْ مَنْ فُلِقَ لَهُ الْبَحْرُ وَفَجَّرَ لَهُ مِنَ الْعُيُونِ وَجَعَلَ لَهُ الْعَصَا الْيَابِسَةَ تُعْبَانًا تُلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ.

وَمِنْهُمْ مَنْ أُبْرءَ الْاَكْمَهَ وَالْاَبْصَرَ وَ اَحْيَى الْمَوْتى بِاِذْنِ اللّٰهِ وَ
اَنْبَاَهُمْ بِمَا يَأْكُلُونَ وَ مَا يَذْخِرُونَ فِى بُيُوتِهِمْ.
وَ مِنْهُمْ مَنْ اَنْشَقَّ لَهُ الْقَمَرُ وَ كَلَمَتْهُ الْبَهَائِمُ مِثْلُ الْبَعِيرِ وَ الذُّئْبِ
وَ غَيْرِ ذَلِكَ.

فَلَمَّا اتُوا بِمِثْلِ ذَلِكَ وَ عَجَزَ الْخَلْقُ عَنْ اَمَمِهِمْ مِنْ اَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِهِ
كَانَ مِنْ تَقْدِيرِ اللّٰهِ جَلَّ جَلَالُهُ وَ لَطْفِهِ بِعِبَادِهِ وَ حِكْمَتِهِ اَنْ جَعَلَ
اَنْبِيَائَهُ مَعَ هَذِهِ الْمُعْجِزَاتِ فِى حَالِ غَالِبِينَ وَ اُخْرى مُغْلُوبِينَ
وَ فِى حَالِ قَاهِرِينَ وَ اُخْرى مَقْهُورِينَ وَلَوْ جَعَلَهُمُ اللّٰهُ فِى جَمِيعِ
اَحْوَالِهِمْ

غَالِبِينَ وَ قَاهِرِينَ وَ لَمْ يَتَّيْلِهِمْ وَ لَمْ يَمْتَحِنْتَهُمْ لَا تَخْذَهُمُ النَّاسُ
الْهَةَ مِنْ دُونِ اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَلَمَّا عُرِفَ فَضْلُ صَبْرِهِمْ عَلَى الْبَلَاءِ
وَالْمِحَنِ وَالْاِخْتِبَارِ، وَلَكِنَّهُ جَعَلَ اَحْوَالَهُمْ فِى ذَلِكَ كَاَحْوَالِ غَيْرِهِمْ
لِيَكُونُوا فِى حَالِ الْمِحْنَةِ وَالْبُلُوِّ صَابِرِينَ وَ فِى حَالِ الْعَافِيَةِ
وَالظُّهُورِ عَلَى الْاَعْدَاءِ شَاكِرِينَ، وَ يَكُونُوا فِى جَمِيعِ اَحْوَالِهِمْ
مُتَوَاضِعِينَ غَيْرَ شَامِخِينَ وَ لَا مُتَجَبِّرِينَ.

وَ لِيَعْلَمَ الْعِبَادُ اَنَّ لَهُمْ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ الْهَآ هُوَ خَالِقُهُمْ وَ مُدَبِّرُهُمْ
فَيَعْبُدُوهُ وَ يُطِيعُوا رُسُلَهُ، وَ تَكُونَ حُجَّةُ اللّٰهِ ثَابِتَةً عَلَى مَنْ تَجَاوَزَ
الْحَدَّ فِيهِمْ وَ ادَّعى لَهُمُ الرُّبُوبِيَّةَ، اَوْ عَانَدَ وَ خَالَفَ وَ عَصَى وَ جَحَدَ
بِمَا اَتَتْ بِهِ الْاَنْبِيَاءُ وَ الرُّسُلُ، وَ لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَنْ بَيِّنَةٍ وَ يُخْنِى
مَنْ حَيَّ عَنْ بَيِّنَةٍ.

قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ (رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ): قَعَدْتُ إِلَى الشَّيْخِ أَبِي الْقَاسِمِ الْحُسَيْنِ بْنِ رُوحٍ (رَه) فِي الْغَدِ وَأَنَا أَقُولُ فِي نَفْسِي: أَتَرَاهُ ذَكَرَ لَنَا مَا ذَكَرَ يَوْمَ أَمْسٍ مِنْ عِنْدَ نَفْسِهِ؟ فَأَبْتَرَأُنِي وَ قَالَ: يَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ، لَيْتَنِي أُخَرَّ مِنَ السَّمَاءِ فَتَخْطِفُنِي الطَّيْرُ أَوْ تَهْوِي بِي الرِّيحُ فِي مَكَانٍ سَحِيقٍ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَقُولَ فِي دِينِ اللَّهِ بِرَأْيِي وَ مِنْ عِنْدِ نَفْسِي، بَلْ ذَلِكَ عَنِ الْأَصْلِ وَ مَسْمُوعٌ مِنَ الْحُجَّةِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ سَلَامُهُ؛^۱

ابراهیم فرزند اسحاق طالقانی می گوید: با گروهی از جمله علی بن عیسی در خدمت جناب حسین بن روح بودیم. مردی برخاست و خطاب به حسین بن روح، رضوان الله علیه، عرض کرد: سؤالی دارم. ایشان فرمودند: بگو.

عرض کرد: آیا حضرت حسین بن علی، علیهما السلام ولی خداوند بود؟

حسین بن روح فرمودند: آری.

عرض کرد: آیا قاتل آن حضرت (یزید) - که لعنت خداوند بر او باد - دشمن خداوند بود؟

ایشان فرمودند: آری.

سپس عرض کرد: آیا جایز است که خداوند دشمن

۱. طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۲۸۷ (ص ۴۷۱، ط بیروت)

خود را بر ولیّ خود مسلّط فرماید؟

جناب حسین بن روح فرمودند: توجّه کن و در سخنان من دقّت نما تا برای تو مطلب را توضیح دهم: بدان که خداوند بزرگ با مردم، به صورت مشاهده و ملاقات سخن نمی گوید و با چشم دیده نمی شود؛ ولی ذات اقدسش پیامبرانی از نوع بشر برانگیخته است که همانند آنها هستند و اگر افرادی غیر از نوع بشر برمی انگیزت، مردم از آنان فرار می کردند و گفته آنها را نمی پذیرفتند.

پس از اینکه خداوند افرادی را مبعوث کرد و مردم به آنان گفتند که شما هم مانند ما هستید؛ غذا می خورید و راه می روید (از جهات ظاهری مانند غذا خوردن، راه رفتن، ازدواج و غیره شبیه به آنان بودند) و ما دعوت شما را بدون اینکه معجزه‌ای بیاورید (کاری که ما از انجام آن عاجز و ناتوان باشیم)، نمی پذیریم و البته پس از دیدن معجزات، برتری شما بر ما مسلّم خواهد شد.

خداوند نیز به انبیاء، معجزات و خوارق عادات عنایت فرمود [که شاید آن را بتوان به «ولایت تکوینی» تعبیر نمود].

یکی (حضرت نوح) پس از آنکه قومش را انذار و

ارشاد فرمود، در مقابل طغیان و تمسرد آنان طوفانی فرا رسید که همه طاعیان و سرکشان را غرق نمود و فقط گروهی که با وی در کشتی بودند، نجات یافتند.

در مورد دیگری (حضرت ابراهیم)، با اینکه نمرود برای سوزاندن آن سرور، بیابانی از آتش آماده کرد و آن حضرت را درون آتش انداختند، خداوند آتش را بر ابراهیم گلستان نمود.

در مورد یکی (حضرت صالح)، خداوند بزرگ برای آن حضرت و برای نشان دادن قدرت خویش، ناقه‌ای (شتری) از شکاف کوه بیرون آورد که از شیر آن استفاده می‌شد.

برای یکی (حضرت موسی)، خداوند رود نیل را شکافت و فرعون و فرعونیان را هلاک فرمود. همچنین دوازده چشمه از سنگی بیرون آورد و عصای خشک موسی را ازدهایی کرد که هر چه را می‌خواست می‌بلعید.

یکی (حضرت عیسی) امراض مختلفه را شفا می‌داد و با اجازه خداوند، مردگان را زنده می‌کرد و از آنچه مردم می‌خوردند و در خانه‌هایشان ذخیره می‌نمودند، خبر می‌داد.

و برای دیگری (حضرت محمد(ص))، خداوند

کلام مهدوی

بزرگ، کره ماه را به دو نیم فرمود و حیواناتی مانند شتر و گرگ و غیر اینها با حضرتش سخن گفتند.

پس آنگاه که انبیاء، معجزات خود را به مردم نشان دادند و مردم از آوردن مانند آنها عاجز و ناتوان بودند تقدیر و حکم الهی این شد که فرستادگان خویش را با داشتن این همه معجزات گاهی غالب و بر دشمنان پیروز و زمانی مغلوب گردانند و در حالتی قاهر و وقت دیگر مقهور باشند و اگر در تمام این حالات و همیشه بر دشمن غالب و پیروز می شدند و به این گرفتاری ها مبتلا نمی شدند و در معرض امتحان الهی قرار نمی گرفتند، مردم آنان را به عنوان خدای خویش تلقی و انتخاب می کردند و فضیلت مقام صبر و بردباری آنها در مقابل بلاها و امتحانات دیده و شناخته نمی شد. ولی خداوند آنها را مانند دیگران قرار داد تا در وقت ابتلاء به مصایب و سختی ها صابر و شکیبا و هنگام عافیت و بهره برداری از نعمت ها شاکر باشند و در تمام حالات متواضعانه رفتار کنند و متکبر نباشند.

برخورد انبیاء و اوصیاء با حوادث و ابتلاء آنان به مصایب برای این بوده است که مردم بدانند این ذوات مقدسه، دارای خدایی هستند که آفریننده و مدبر آنها

است. پس باید از خداوند اطاعت کرد و فرمان پیامبران و فرستادگانش را اجرا نمود و در مقابل آنان که دعوی خدایی می‌کنند و نیز در مقابل کسانی که عناد ورزیده، آنچه را که انبیاء آورده‌اند، انکار نمودند، حجتی باشند تا اینکه به وسیله حجت‌ها و دلایل اقامه شده، منکران هلاک و افراد مطیع زنده شوند [و سرانجام راه سعادت را بیمایند].

محمد بن ابراهیم فرزند اسحاق می‌گوید: فردای آن روز به ملاقات جناب حسین بن روح رفتم و با خود می‌گفتم، حسین بن روح دیروز یک سلسله مطالب از طرف خود برای ما اظهار نمود. ولی چون وارد شدم [بدون هیچ سخنی و بی‌آنکه چیزی بگویم] حسین بن روح فرمودند: ای محمد بن ابراهیم! اگر به بدترین عذاب‌ها مرا شکنجه دهند، برای من بهتر است از اینکه در ارتباط با دین خداوند از نزد خود مطلبی بگویم. و تمام مطالبی که روز گذشته برای شما بیان کردم از زبان مقدس حجت و ولی خدا بود که خود مرکز همه علوم و معارف الهی هستند».

توقیع مبارک حضرت ولی عصر (عجل الله فرجه الشریف) به افتخار محمد بن علی بن هلال کرخی

از جمله توقیعاتی که از طرف مقام مقدّس حضرت ولیّ عصر، صلوات الله علیه، در ردّ غلات شیعه و در پاسخ عریضه محمد بن علی بن هلال کرخی شرف صدور یافته، این توقیع است که ترجمه آن ذیلاً به نظر خوانندگان گرامی می‌رسد:

«وَمِمَّا خَرَجَ عَنْ صَاحِبِ الزَّمَانِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ رَدًّا عَلَى الْغُلَاةِ مِنَ التَّوْقِيعِ جَوَاباً لِكِتَابِ كِتْسَبِ إِلَيْهِ عَلَى يَدَيِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ هِلَالِ الْكَرْخِيِّ:

يَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ، تَعَالَى اللَّهُ وَجَلَّ عَمَّا يَصِفُونَ، سُبْحَانَهُ وَبِحَمْدِهِ، لَيْسَ نَحْنُ شُرَكَاءُهُ فِي عِلْمِهِ وَلَا فِي قُدْرَتِهِ بَلْ لَا يَعْلَمُ الْغَيْبَ غَيْرُهُ كَمَا قَالَ فِي مُحْكَمِ كِتَابِهِ تَبَارَكَتْ أَسْمَاؤُهُ «قُلْ لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ.

«وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ»^۱ وَأَنَا وَجَمِيعُ آبَائِي مِنَ الْأَوَّلِينَ، آدَمَ وَنُوحَ وَابْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَغَيْرِهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَمِنَ الْآخِرِينَ مُحَمَّدَ رَسُولَ اللَّهِ وَعَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ وَغَيْرِهِمْ مِمَّنْ مَضَى مِنَ الْأَئِمَّةِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ إِلَى مَبْلَغِ أَيَّامِي وَمُنْتَهَى عَصْرِي، عِبِيدَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ.

يَقُولُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ «وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكاً وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ أَعْمَى * قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَى وَقَدْ كُنْتُ بَصِيراً * قَالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيتَهَا وَكَذَلِكَ الْيَوْمَ

امامان بزرگوار ما دارای ویژگی‌های خاصی در خلقت خود هستند که حضرت ربّ العالمین با این ویژگی‌ها آنان را در بین سایر فرزندان حضرت آدم (ع) برجسته و بارز نموده‌اند؛ از جمله این ویژگی‌های امام معصوم (ع)، کراماتی هستند که از معجزات حق تعالی به حساب می‌آیند، مثل سخن گفتن امام معصوم (ع) در رَحِمِ مادر، یا در هنگام تولّد و دوران نوزادی.

سخن گفتن حضرت بقیّة الله (عج) در رَحِمِ مادر
 «قَالَتْ حَكِيمَةٌ فَلَمْ أَزَلْ أَرْقُبْهَا إِلَى وَقْتِ طُلُوعِ الْفَجْرِ وَهِيَ نَائِمَةٌ
 بَيْنَ يَدَيَّ لَا تَغْلِبُ جَنْبًا إِلَى جَنْبٍ حَتَّى إِذَا كَانَ فِي آخِرِ اللَّيْلِ
 وَقْتِ طُلُوعِ الْفَجْرِ وَثَبْتُ فَرَعَةً فَضَمَمْتُهَا إِلَى صَدْرِي وَسَمَّيْتُ
 عَلَيْهَا، فَصَاحَ أَبُو مُحَمَّدٍ (ع) وَقَالَ: اقْرَأِي عَلَيْهَا «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي
 لَيْلَةِ الْقَدْرِ» فَأَقْبَلْتُ أَقْرَأُ عَلَيْهَا وَقُلْتُ لَهَا: مَا حَالُكَ؟ قَالَتْ: ظَهَرَ
 الْأَمْرُ الَّذِي أَخْبَرَكَ بِهِ مَوْلَايَ. فَأَقْبَلْتُ أَقْرَأُ عَلَيْهَا كَمَا أَمَرَنِي

تُتْسَى»^۱.

یا محمد بن علی، قد آذانا جُهَلَاءُ الشَّيْعَةِ وَ حُمَقَاؤُهُمْ وَ مَنْ دِينُهُ
جَنَاحُ الْبُعُوضَةِ أَرْجَحُ مِنْهُ، فَاشْهَدَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَ كَفَى
بِهِ شَهِيداً وَ رَسُولُهُ مُحَمَّدًا (ص) وَ مَلَائِكَتَهُ وَ أَنْبِيَائَهُ وَ أَوْلِيَائَهُ (ع)
وَ أَشْهَدُكَ وَ أَشْهَدُ كُلَّ مَنْ سَمِعَ كِتَابِي هَذَا، أَنَا بَرِيءٌ إِلَى اللَّهِ وَ
إِلَى رَسُولِهِ مِمَّنْ يَقُولُ إِنَّا نَعْلَمُ الْغَيْبَ وَ نُشَارِكُهُ فِي مُلْكِهِ أَوْ يُحِلُّنَا
مَحَلًّا سِوَى الْمَحَلِّ الَّذِي رَضِيَهُ اللَّهُ لَنَا وَ خَلَفْنَا لَهُ أَوْ يَتَعَدَّى بِنَا
عَمَّا قَدْ فَسَّرْتُهُ لَكَ وَ بَيَّنَّنْتُهُ فِي صَدْرِ كِتَابِي وَ أَشْهَدُكُمْ أَنَّ كُلَّ مَنْ
نَبَرَأَ مِنْهُ فَإِنَّ اللَّهَ يَبْرَأُ مِنْهُ وَ مَلَائِكَتُهُ وَ رُسُلُهُ وَ أَوْلِيَائُهُ.

وَ جَعَلْتُ هَذَا التَّوْقِيعَ الَّذِي فِي هَذَا الْكِتَابِ أَمَانَةً فِي عُنُقِكَ وَ
عُنُقِ مَنْ سَمِعَهُ أَنْ لَا يَكْتُمَهُ لِأَحَدٍ مِنْ مَوَالِيٍّ وَ شِيعَتِي حَتَّى يَظْهَرَ
عَلَى هَذَا التَّوْقِيعِ الْكُلِّ مِنَ الْمَوَالِيِّ، لَعَلَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَتَلَفَاهُمْ
فَيَرْجِعُونِ إِلَى دِينِ اللَّهِ الْحَقِّ وَ يَنْتَهُونَ عَمَّا لَا يَعْلَمُونَ مِنْتَهَى
أَمْرِهِ وَ لَا يَبْلُغُ مُنْتَهَاهُ، فَكُلُّ مَنْ فَهِمَ كِتَابِي وَ لَا يَرْجِعْ إِلَى مَا قَدْ
أَمَرْتُهُ وَ نَهَيْتُهُ فَقَدْ حَلَّتْ عَلَيْهِ اللَّعْنَةُ مِنَ اللَّهِ وَ مِمَّنْ ذَكَرْتُ مِنْ
عِبَادِهِ الصَّالِحِينَ؛^۲

ای محمد بن علی! خداوند متعال بالاتر از آن است
که به وصف آمده و او را حمد و ثنا گویند. ما خاندان

۱. سورہ طہ (۲۰)، آیات ۱۲۴-۱۲۷.

۲. ضبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۷۳، ط بیروت.

رسالت شریک در علم خداوند و قدرت او نیستیم، بلکه غیب و علم به آن، مختصّ ذات پاک اوست. چنان که در قرآن مجیدش فرموده است: «ای حبیبم! بگو غیب در آسمان‌ها و زمین، مختصّ ذات پاک خداوند است».

من و همهٔ آباء و اجداد گرامی‌ام از اولین - آدم و نوح، ابراهیم و موسی و دیگر پیامبران الهی - و از آخرین - محمد و علی و دیگر بزرگواران از ائمهٔ معصومین، سلام الله علیهم اجمعین تا امروز که نوبت امامت به من رسیده است، همگی بندگان خدا هستیم و خداوند بزرگ در قرآنش فرموده است: «کسی که از ذکر و یاد من اعراض کند (روی برگرداند)، معیشت او ضنک و سخت بوده و در قیامت نابینا محشور خواهد شد. او می‌گوید: خداوند! چرا مرا نابینا محشور کردی در حالی که من بینا بودم؟ خداوند می‌فرماید: تو آیات ما را تکذیب نمودی ما نیز تو را به دست فراموشی سپردیم».

ای محمد بن علی! نادانان شیعه و نابخردان آنها موجبات آزار و اذیت ما خاندان وحی را فراهم می‌کنند و افرادی که دینشان برای آنها به اندازهٔ یک بال مگس ارزش ندارد، باعث ناراحتی ما هستند.

من خداوند بزرگ را که خدایی جز او نیست به

شهادت می‌گیرم و البتّه او برای شهادت، کافی است و همچنین حبیبش محمّد (ص) و ملائکه و پیامبران او و نیز تو و هر کس را که فرمان من به او برسد، گواه می‌گیرم که از افرادی که می‌گویند علم غیب نزد ماست و ما در آفرینش موجودات شریک هستیم و ما را از محلی که خداوند برای ما قرار داده و راضی است، بالاتر می‌برند، بیزارم. همچنین از کسانی که از آنچه برای تو بیان کردم (بندگی خداوند) و از آنچه در ابتدای نامه‌ام بدان اشاره کردم، گامی فراتر بروند، بیزارم و اینان البتّه گرفتار سخط و عذاب الهی خواهند بود و من تو را گواه می‌گیرم که هر کس که ما از او بیزاری جوئیم، خداوند و ملائکه و فرستادگانش و اولیای الهی نیز از او بیزار خواهند بود.

[ای محمّد بن علی!] این توقیع را به عنوان امانت به گردن تو و هر که نامه من به او برسد، قرار دادم و مکلف هستید که محتوای این فرمان را به همه دوستان و شیعیان من برسانید. شاید خداوند متعال به آنها توفیق عنایت فرماید و در سایه بهره‌برداری از کلمات من، به سوی دین حق برگردند و از آنچه نمی‌دانند، دست بردارند. پس هر کس از شیعیان و دوستان ما از مضمون فرمان من در این توقیع آگاهی یافت و به آنچه در این فرمان بیان

کلام مهدوی

شده است، عمل نکرد، سزاوار لعنت خداوند و ملائکه و فرستادگان و اولیای او خواهد بود.

خواننده گرامی! آنچه از خلاصه این فرمان به دست می آید و باید به آن توجه داشت و عمل کرد دو اصل است:

۱. اینکه همه انبیاء و ائمه و اولیاء، بنده خدا هستند تمام قدرت های مادی و معنوی آنها (ولایت تکوینی و تشریعی) از آن خداوند است؛

۲. همه دوستان خاندان رسالت، بندگی خداوند را بر هر چیزی باید مقدم دارند.

حضرت بقیة الله، ارواحنا له الفداء، به این شرح درباره محمد بن علی هلال کرخی چنین دعا فرمودند. امید است دعای آن حضرت شامل حال همه ما گردد. آمین یا رب العالمین:

خداوند به اندازه شایستگی خودش درباره او نیکی فرماید. جواب ما به او و رعایت ما نسبت به پدر او که خداوند او را رحمت کند، او را به ما نزدیک گرداند. چون از نیت و باطن او با اطلاعیم و از او خشنود شدیم و بر گفت و گوی او آگاهی یافتیم. نزد خداوند برای او چیزی را گواهی می دهیم که خداوند و رسولش و اولیای او خشنود گردند و از خداوند می خواهیم که تمام آرزوهایش را در مورد خیرات دنیا و آخرت برآورده

فرماید و امور دین و دنیای او را که صلاح باشد، اصلاح فرماید. البتّه خداوند ولیّ توانا و مقتدر است».

آخرین توقیع حضرت بقیة الله (عج) به جناب علی بن محمد سمّری (آخرین نایب خاصّ ایشان)

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
يا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ السَّمَرِيُّ، أَعْظَمَ اللَّهُ أَجْرَ إِخْوَانِكَ فِيكَ فَإِنَّكَ
مَيِّتٌ مَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ سِتِّهِ أَيَّامٍ. فَاجْمَعْ أَمْرَكَ وَ لَا تُوصِ إِلَى أَحَدٍ
فَيَقُومَ مَقَامَكَ بَعْدَ وَفَاتِكَ. فَقَدْ وَقَعَتِ الْغَيْبَةُ التَّامَّةُ فَلَا ظُهُورَ إِلَّا
بَعْدَ إِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ وَ ذَلِكَ بَعْدَ طَوْلِ الْأَمَدِ وَ قَسْوَةِ الْقُلُوبِ
وَامْتِلَاءِ الْأَرْضِ جَوْرًا.

وَ سَيَأْتِي إِلَى شَيْعَتِي مَنْ يَدَّعِي الْمُشَاهَدَةَ. أَلَا فَمَنْ ادَّعَى
الْمُشَاهَدَةَ قَبْلَ خُرُوجِ السُّفْيَانِيِّ وَ الصَّيْحَةِ فَهُوَ كَذَّابٌ مُفْتَرٍ وَ لَا
حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ؛^۱

به نام خداوند بخشاینده مهربان

ای علی بن محمد سمّری! خداوند بزرگ، در مصیبت
درگذشت تو به برادران دینی ات پاداش عظیم عنایت
فرماید. تا شش روز دیگر از دنیا خواهی رفت. بنابراین،

۱. ضبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۲۹۷.

امور زندگی خود را تمام کن و هیچ کس را وصی و جانشین خویش قرار مده، زیرا دوران غیبت کبرا آغاز شده است و امر ظهور موکول به اجازه خداوند بزرگ است که آن هم پس از:

۱. غیبتی بس طولانی؛

۲. قساوت دلهای مردم و دوری آنان از حقایق؛

۳. و فراگیر شدن ظلم و جور در دنیا؛

خواهد بود.

به زودی افرادی به سوی شیعیان من آمده، ادعای مشاهدۀ (نیابت خاصه) مرا خواهند کرد. آگاه باشید که هر کس قبل از خروج سفیانی و به گوش رسیدن صیحه آسمانی ادعای مشاهده کند، دروغ گواست و [بر خدا و رسول او] افترا می بندد. و تمام قدرت ها و نیروها از آن خداوند متعال است».

در انتهای بخش توقیعات، متن فرمان مبارک حضرت ولی عصر (ارواحنا له الفداء) را که توسط استوانۀ تقوا، جناب حاج شیخ محمد کوفی به افتخار مرحوم آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی صادر شده است به شما خوانندۀ عزیز تقدیم می داریم:

«أَرْخِصْ نَفْسَكَ وَاجْعَلْ مَجْلِسَكَ فِي الدُّهْلِيزِ وَأَقْضِ حَوَائِجَ

النَّاسِ نَحْنُ نَنْصُرُكَ^۱؛

خودت را در اختیار مردم بگذار و محلّ نشستن
خویش را در ورودی خانه قرار بده [تا مردم سریع‌تر
بتوانند با تو ارتباط پیدا کنند] و حوائج مردم را برآور. ما
تو را یاری می‌کنیم».

۱. جهان بعد از ظهور، ص ۸۳.

بخش سوم

بیانات

حضرت بقیة الله، ارواحنا له الفداء

در روزهای اوّل ظهور

اولین خطبه و اعلامیه حضرت بقیة الله، روحی له الفداء

در روز اول ظهور

«قال الامام الباقر عليه السلام والقائم يومئذ بمكة قد اسند ظهره الى البيت الحرام مستجيراً به فينادى ايها الناس انا نستنفر الله، فمن اجابنا من الناس فانا اهل بيت نبيكم محمد و نحن اولى الناس بالله و بمحمد، صلى الله عليه و آله و سلم، فمن حاجنى فى آدم فانا اولى الناس بآدم و من حاجنى فى نوح فانا اولى الناس بنوح و من حاجنى فى ابراهيم فانا اولى الناس بابراهيم و من حاجنى فى محمد، صلى الله عليه و آله و سلم، فانا اولى الناس بمحمد و من حاجنى فى النبيين فانا اولى الناس بالنبيين، اليس الله يقول فى مُحكم كتابه «ان الله اصطفى آدم و نوحاً و آل ابراهيم و آل عمران على العالمين ذريةً بعضها من بعض والله سميعٌ عليمٌ»^۱

فانا بقيّة من آدم و ذخيرة من نوح و مصطفى من ابراهيم و

۱. سوره آل عمران (۲)، آيات ۳۵-۳۳.

فَأَجَابَنِي الْجَنِينُ مِنْ بَطْنِهَا يَقْرَأُ كَمَا أَقْرَأُ وَ سَلَّمَ عَلَيَّ؛^۱

حکیمه خاتون می گوید: طبق دستور امام حسن عسکری (ع) در شب نیمه شعبان همواره مراقب نرجس خاتون بودم. وی در خواب بود و همه چیز به آرامی می گذشت و چون نزدیک طلوع فجر شد، ناگهان [با سبب دردی شدید] با ناله از جای برخاست. ایشان را به سینه چسبانده و نام خداوند (بسم الله الرحمن الرحيم) را بر او خواندم. در این هنگام امام عسکری (ع) فرمودند که «سوره قدر بر او بخوان». من شروع به خواندن آن سوره کردم و شنیدم بچه ای که در رحم نرجس است به من جواب می دهد و همراه من آن سوره را تلاوت می کند و به من سلام کرد».

سخنان حضرت بقیة الله (عج) پس از ولادت

«قَالَتْ حَكِيمَةُ وَإِذَا أَنَا بِالصَّبِيِّ (ع) سَاجِدًا عَلَى وَجْهِهِ جَائِيًا عَلَى رُكْبَتَيْهِ رَافِعًا سَبَابَتَيْهِ نَحْوَ السَّمَاءِ وَ هُوَ يَقُولُ: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَنَّ جَدِّي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ أَنَّ أَبِي أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ، ثُمَّ عَدَّ إِمَامًا إِمَامًا إِلَى أَنْ بَلَغَ إِلَى

۱. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۳.

مجادله نماید من از همه اولی تر به قرآن خداوند هستم
[و تمام علوم و معارف قرآن و قوانین حیات بخش آن در
نزد من است].

ای مردم! آگاه باشید هرکس که دربارهٔ سنت رسول
اکرم (ص) [یعنی تعلیمات آن حضرت و خاندان عزیزش]
با من مجادله کند، من اولی تر از او هستم. پس شما را
به خداوند سوگو کند می‌دهم هرکس که امروز سخنان مرا
می‌شنود آن را به آنهایی که در اینجا حاضر نیستند برساند،
و شما را به حق خداوند و رسول او و آن حقی که من
بر شما دارم [یعنی حق ذوالقربای پیامبر بودن] سوگو کند
می‌دهم که ما را در حقوقمان یاری نمایید و جلوی ظلم
و ستمی را که دربارهٔ ما روا داشته‌اند، بگیرید؛ چه آنکه
حقوق ما را پنهان ساختند و دربارهٔ ما ظلم کردند و از
وطنمان آواره نمودند و نسبت به ما غدر روا داشتند
و پیروان باطل بر ما افترا بستند. از خدا بترسید، ما را
مخدول نکنید، بلکه یاری کنید تا خداوند شما را نصرت
عطا فرماید.

خطبهٔ دوم حضرت بقیة الله (ع) در روزهای اول ظهور
«عَنِ الْإِمَامِ الْبَاقِرِ عَلَيْهِ السَّلَامُ خُطْبَةٌ آخَرٌ مَعَ اخْتِلَافٍ يَسِيرٍ ثُمَّ

حجّت خود را به وسیلهٔ ارسال پیامبران و نزول کتاب‌های آسمانی بر شما تمام کرده است و امر فرموده که او را به یگانگی یاد کنید و از شرک دوری ورزید و در طاعت و بندگی او و فرمانبرداری از پیامبرش کوشا باشید و آنچه را که قرآن زنده نموده (قوانین حیات بخش آن را) زنده نگاه دارید و آنچه قرآن مرگ آن را اعلام فرموده است، شما نیز آن را نابود کنید و یار و مددکار هدایت و رستگاری باشید و تقوا و پرهیزگاری را نگهبان باشید. بدانید که دنیا رو به زوال و در حال وداع با همگان است و من شما را به چند اصل حیاتی دعوت می‌کنم:

۱. ایمان به خداوند بزرگ و اطاعت از دستوراتش؛
۲. اعتقاد به رسول اکرم - که درود خدا بر او باد - و فرمانبرداری از آن حضرت؛
۳. عمل کردن به قرآن و احکام سعادت بخش آن؛
۴. نابود ساختن باطل و مبارزه با آن؛
۵. زنده کردن سنت‌های از بین رفتهٔ اسلام و باز گرداندن آنها به جای اولیهٔ خود».

«اعلامیة جهانی» حضرت بقیة الله، ارواحنا له الفدا

خطبة سوم از حضرت مهدی (ع)

